

سوگیری‌های ارزشی در مشارکت اجتماعی شهروندان در شهر مشهد

احمدرضا اصغرپور ماسوله (استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد)

asgharpour@ferdowsi.um.ac.ir

علی یوسفی (دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد)

yousofi@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

سنجش کنش‌های مشارکتی مانند سنجش دیگر کنش‌ها، دشواری‌هایی دارد. دشواری این کار در سنجش بخشی از کنش از است که در ذهن کنشگر روی می‌دهد. در این مقاله، این بخش کنش را با سوگیری‌های مشارکتی مفهوم سازی شده است. سوگیری‌های مشارکتی سنجیده شده و کنشگران بر اساس این سوگیری‌ها در دسته‌های متفاوتی جای داده شده‌اند. برای سنجش سوگیری‌های مشارکتی، شهروندان در دو موقعیت مشارکتی فرضی قرار داده شده‌اند و آمادگی‌های آنان برای عمل به دو قطبی‌های عمل سنجیده شده است در هر کدام از این دو موقعیت با ده سؤال که پاسخ آن‌ها دو قطبی بله یا خیر است، پنج سوگیری مشارکتی متأثر از دیدگاه پارسونز سنجیده شده است. در نهایت چهار نوع کنش مشارکتی در میان پاسخگویان تشخیص داده شده است: مشارکت عاطفی-ابزاری، مشارکت ابزاری-ارزشی، مشارکت ارزشی و مشارکت ابزاری. این پژوهش در نهایت نشان می‌دهد که بیشتر مشارکت‌های اجتماعی نزد بیشتر شهروندان دارای ویژگی «ابزاری» است. **کلیدواژه‌ها:** سوگیری ارزشی، مشارکت اجتماعی، مشهد، کنش اجتماعی.

۱- درآمد

در جوامع امروزی شهروندان بیش از پیش این حق اداره جامعه را برای خود قائل هستند و عموماً مایل‌اند زندگی اجتماعی خویش را خود اداره کنند. در چنین شرایطی است که از ریزش قدرت به سمت بدنه جامعه و عموم مردم سخن گفته می‌شود، یعنی شرایطی که تمام اعضای جامعه

برخوردار از سهمی در قدرت سیاسی باشند. هرچه میزان بیشتری از قدرت سیاسی در بین مردم توزیع شده باشد، آن جامعه مردمی‌تر شناخته می‌شود (Haveri, etal, 2009). ضمن این‌که هرچه این توزیع برابرتر باشد، عادلانه‌تر شناخته می‌شود. حداقل انتظار می‌رود برای تمام اعضای جامعه فرصت بهره‌مندی از قدرت سیاسی متناسب با موقعیت اجتماعی خود فراهم شود. در چنین جامعه‌ای هیچ عضو عادی وجود ندارد که سهمی از قدرت سیاسی نداشته باشد. انتخابات عمومی، روشن‌ترین مثال این امر هستند (Chow, etal, 2010) که در آن‌ها آحاد شهروندان تعیین‌کننده‌ی مقامات سیاسی می‌شوند.

شهروند بهره‌مند از قدرت سیاسی می‌تواند از این دارایی مانند دیگر دارایی‌های خود برای منافع فردی یا جمعی استفاده کند (Mattina, 2008). داشتن قدرت، تیغ دو لبه‌ای است که کنشگر فردگرا یا قوم‌گرا را علیه جامعه برمی‌انگیزاند و کنشگر جمع‌گرا را یاریگر جامعه‌خویش می‌سازد (Smith, 2006). انتظار آن است که توزیع قدرت، منجر به عدالت در سطح گسترده‌تر شود و نظم اجتماعی متعادل‌تری را فراهم سازد (Norgaard and Pallesen, 2003). اما این امر لزوماً هنگامی که قدرت توزیع شد؛ صورت نمی‌پذیرد؛ زیرا همانطور که گفته شد، قدرت در دست کنشگران فردگرا یا سودجو جای اینکه به نفع جامعه تمام شود، آسیب به بار می‌آورد.

با توجه به دو نکته‌ای که در بالا بیان شد، می‌توان ساده‌ترین تعریف از مشارکت را ارائه داد. مشارکت اجتماعی، یعنی سهیم شدن عموم مردم در قدرت و کاربرد در جهت منافع جمعی (البته منفعت فردی هم در آن می‌تواند مستتر باشد) (Briggs, etal, 2010). البته در مفهوم مشارکت اجتماعی جزئیات فراوانی وجود دارد که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد، اما می‌توان گفت که هر کنشی که دو ویژگی بالا را در خود داشته باشد، مشارکتی است. از مشارکت اجتماعی همواره انتظار می‌رود که نحوه انجام کارها را آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر کند و نتیجه آن هم رضایت مردم باشد.

در این مقاله نقطه‌ی عزیمت، تمایز میان بخش عینی و بخش ذهنی کنش مشارکتی است. این دو بخش همان ظاهر رفتاری کنش و نیتی هستند که در ذهن کنشگر است و از بیرون قابل مشاهده نیست. این تمایز از آنجا ناشی می‌شود که تنها با توجه به وجه بیرونی یک کنش نمی‌توان آن را مشارکتی دانست، بلکه باید آنچه در ذهن کنشگر گذشته است هم مورد توجه قرار گیرد. عدم توجه به این

موضوع باعث می شود که نتوان به درستی کنش های مشارکتی را از غیر آن جدا نمود. همانطور که می دانیم آنچه کنش اجتماعی را از رفتار (به معنایی که رفتارشناسان مورد بررسی قرار می دهند) جدا می کند، معنا و نیتی است که کنشگر در ذهن خود داشته است. بنابراین بررسی هر کنش اجتماعی، از کنش مشارکتی بدون توجه به ذهنیت کنشگر ناممکن است. در این مقاله، مؤلفان معنا و نیتی را که کنشگران در ذهن خود داشته اند، تحت عنوان سوگیری های مشارکتی مفهوم سازی کرده اند که در بخش نظری توضیح داده خواهد شد.

۲- تحلیل نظری

۲-۱- مشارکت به عنوان کنش

مشارکت اجتماعی، مجموعه کنش هایی است که شهروندان به طور داوطلبانه برای مصلحت جمعی انجام می دهند. بنابراین میزان داوطلبانه بودن و سطح مصلحت جمعی، دو عنصر اساسی در ارزیابی یک مشارکت اجتماعی است. میزان داوطلبانه بودن کنش رابطه مستقیم دارد با توانایی شهروند برای انجام کنش های دلخواه وی (McNamara and Gonzales, 2011). در واقع کسی می تواند عملی داوطلبانه را انجام دهد که توانایی تصمیم گیری و عمل داشته باشد.

میزان توانایی کنشگر برآیند دارایی ها و توانایی های کنشگر و شرایط محیطی است (Lee and Macdonald, 2009). در واقع توانایی خود کنشگر و مساعدت هایی که در محیط وجود دارد، تعیین کننده توانایی او برای انجام کنش هاست (Rocha, etal, 2010). نوع کنش هایی مشارکتی، کنشگر تابعی است از تمایلات و توانایی های او (Levasseur, etal, 2010). میزان توانایی کنشگر، تعیین کننده نوع کنش های مشارکتی اوست؛ اما سوی دیگر نیروی درونی که همان تمایلات درونی وی است، نیز در این امر مؤثر است. ادراک کنشگر از آنچه در پیرامون در جریان است (Collom, 2011, Taddei, 2011) و برآوردی که از توانایی ها و ویژگی های خود دارد (Ross, 2011) راهنمای او در انجام مشارکت اجتماعی است.

حکمرانی مرکزی با محدود کردن قدرت کنشگران سعی می‌کند مانع از هر گونه سوء استفاده و کوتاهی شود. را بگیرد. این محدود کردن کردن ضروری است، چون اولاً خواسته‌ها و علایق شهروندان متضاد می‌تواند باشد. دوم اینکه، برای انجام برخی کنش‌ها هماهنگی و سازمان دهی لازم است. سوم اینکه، بسیاری از شهروندان در بسیاری موارد تنها برای میل و منفعت شخصی عمل می‌کنند و حقوق دیگران را زیر پا می‌گذارند و چهارم اینکه، برای انجام بسیاری از امور به متخصص نیاز است و نمی‌توان انجام آن‌ها را به شهروندان عادی سپرد. اما با وجود تمام این‌ها نشان داده شده است، واگذاری هرچه بیشتر امور به سطوح پایین‌تر و تمرکززدایی موجب بهبود اوضاع می‌شود (Davis, Hulme 2001; Woodhouse 1994; Helmsing 2002; Wunsch 2001).

از اواسط قرن بیستم توجه محققان علوم اجتماعی به توسعه قدرت حکمرانی مرکزی به دلایل بالا و بیش از حد ضعیف شدن شهروندان در قبال آن جلب شده است (Kenyon, 1973). گرچه تمام دلایل بالا برای حضور حکمرانی مرکزی ضروری به نظر می‌رسد اما بسط قدرت مرکزی و متمرکز نباید منجر به تضعیف شهروندان عادی شود و آنان را ناتوان کند. سیاست‌های دولتی در تمایل شهروندان بر فعالیت‌های داوطلبانه تأثیر دارد (Steffen Stadelmann, 2011). ناتوان شدن شهروندان و واگذار کردن تمام امور به قدرت مرکزی، هزینه‌ها و کیفیت عملکرد نظام قدرت در یک را افزایش می‌دهد (Shah & Shah 2006 : 1).

سنجش مشارکت شهروندی یک کنش سنجی است. در سنجش کنش باید به ویژگی‌های آن توجه کرد، زیرا کنش سنجی تفاوت‌هایی با رفتارسنجی دارد. از آنجایی که کنش، رفتاری است که دارای معنی اجتماعی و نیت است (Von Mises 1998: 11)، پس در سنجش آن باید هم به بررسی معنی اجتماعی و هم نیت پرداخت. بنابراین میزان مشارکت اجتماعی یک کنشگر، برابر است با میزان کنش‌هایی که دارای معنای اجتماعی مشارکت هستند و وی نیز آن‌ها را با نیت مشارکت اجتماعی انجام می‌دهد.

دشواری سنجش کنش از آن رو است که نمی توان تنها با مشاهده آن را سنجید؛ زیرا نیت کنشگر با مشاهده قابل دستیابی نیست. آنچه با مشاهده کنش می توان ثبت کرد، ظاهر رفتاری کنش و معنای اجتماعی آن است.

۲-۲- سوگیری مشارکتی

سوگیری های مشارکتی، سوگیری های ارزشمندی هستند که فرد را متعهد می کنند هنگام قرار گرفتن در موقعیت مشارکت، هنجارها و معیارهای انتخاب خاصی را در نظر بگیرد. این امر هنگامی رخ می دهد که کنشگر در موقعیت انتخاب قرار دارد. پنج نوع سوگیری ارزشی یا همان متغیرهای الگویی پارسونزی (Parsons 1951: 88) و به تبع آن پنج نوع سوگیری مشارکتی در این مقاله به شرح از هم متمایز شده اند.

- عام گرا- خاص گرا: یعنی این که کنشگر در هنگام کنش قواعد عام موقعیت را مورد توجه قرار می دهد و بر اساس آن ها عمل می کند و یا اینکه با توجه به هر موقعیت خاص و طرف خود، تصمیم متفاوتی اتخاذ می کند.

- ویژه گرا- انتشاری: آیا کنشگر در هنگام کنش، دیگر ویژگی ها و جنبه های موقعیت و طرف کنش را هم در نظر می گیرد؟ یا این که تنها به جنبه مورد نظر در یک کنش خاص توجه می کند؟

- عملکرد- کیفیت: آیا کنشگر در هنگام کنش، تنها نتیجه کنش را مورد توجه قرار می دهد؟ یا چگونگی آن هم برای او دارای اهمیت است؟

- عاطفی- خشی: آیا کنشگر در هنگام کنش، فارغ از عواطف تصمیم گیری می کند و یا عواطف خود را در کنش دخالت می دهد؟

- فردگرا- جمع گرا: این سوگیری حاکی از تقابل منافع شخصی و منافع جمعی است. در بسیاری از وضعیت ها، کنشگر با ناهماهنگی منافع مواجه می شود و می بایست بین کنش به نفع اهداف شخصی و کنش به نفع اهداف جمعی، یکی را انتخاب کند. کنشگر ممکن است این مسأله را با مقدم شمردن منافع، اهداف و ارزش های مشترک با دیگر اعضای یک واحد جمعی معین که خود عضوی از آن است، یا با ترجیح دادن منافع شخصی یا فردی خود، بدون در نظر گرفتن آثار آن بر منافع جمعی این مسأله را برطرف کند (Parsons, 1976: 80-77).

ویژگی مهم سوگیری‌های مشارکتی دو قطبی بودن آن است؛ یعنی کنشگر در هنگام انجام کنش ناگزیر از انتخاب یکی از دو بخش است. به عنوان مثال، کنشگر در یک موقعیت مشخص یا باید عام‌گرایانه سوگیری کند و یا خاص‌گرایانه.

به منظور سنخ‌شناسی انواع مشارکت‌های اجتماعی بر حسب سوگیری‌هایی که در آن‌ها وجود دارد، خرده‌نظام‌های پارسونز و دیگر جامعه‌شناسان سنت کلاسیک تحلیل سیستمی در جامعه‌شناسی مورد استفاده قرار گرفت. بر این اساس چهار نوع مشارکت اجتماعی بر حسب نوع سوگیری کنشگر از هم تمایز شدند: مشارکت ابزاری، مشارکت عاطفی، مشارکت سنتی و مشارکت ارزشی که در زیر تعریف شده‌اند:

- مشارکت ابزاری- مشارکتی: کنشگر شیوه‌های انجام آن را از طریق فرآیند یادگیری کسب کرده است. نوع عمل کنشگر در چنین مشارکتی کار خلاقانه و فعالانه است. او خود را به وسیله‌ی محاسبه‌ی عقلانی با دیگر کنشگران هماهنگ می‌کند.

- مشارکت عاطفی: این نوع مشارکت چندان آموختنی نیست، بلکه از جنس تکانه‌های عاطفی است. به همین دلیل عمل کنشگر، بیشتر بازتابی تلقی می‌شود. هماهنگی مشارکت‌کننده با دیگران در این نوع کنش نشانه وجود عاطفه مشترک میان آن‌هاست. کنشگر برای انجام کنش میان ترجیحات عاطفی به انتخاب دست می‌زند.

- مشارکت سنتی: این نوع مشارکت از طریق درونی کردن آموخته می‌شود. عمل کنشگر به عنوان رفتاری تقلیدی دانسته می‌شود که می‌تواند نشانه‌ی وفاداری او به سنت‌ها باشد. کنشگر برای انتخاب کنش مورد نظر در این جا تنها به سنت‌ها مراجعه می‌کند.

- مشارکت ارزشی: مشارکت ارزشی از باور و ایمان ناشی می‌شود. انجام آن نشان دهنده انجام وظیفه است و می‌تواند بر اساس هم‌رایی با دیگر کنشگران باشد. کنشگر این نوع کنش را با مراجعه به ارزش‌ها انتخاب می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، هر نوع مشارکت دارای چهار بعد است. اجزای تشکیل دهنده ابعاد مشارکت اجتماعی سوگیری‌های ارزشی هستند. به بیان دیگر در هر نوع از ابعاد چهار نوع مشارکت، انطباق دو نوع سوگیری مشارکتی بر هم وجود دارد. سوگیری‌های موجود در هر کدام از این اجزا در جدول زیر ارائه شده است:

با توجه به آنچه درباره سوگیری های ارزشی، انواع کنش اجتماعی و چارچوب ارجاع کنش اجتماعی بیان شد، هدف آن است که انواع سوگیری مشارکتی (بعد نرم افزاری کنش) و اجزای هر یک از آنها همراه با سوگیری های ارزشی که ملازم هر یک هستند، بیان شوند.

چهار نوع کنش مشارکتی عبارتند: مشارکت ارزشی، مشارکت سستی، مشارکت عاطفی و مشارکت ابزاری. هر کدام از این چهار نوع مشارکت اجتماعی دارای ۴ جزء هستند که عبارتند از: اصل ارزشی^۱، معیار هماهنگی^۲، شیوه تحقق هدف^۳ و ابزار تطبیق^۴. به این ترتیب ۱۶ عنصر متمایز در انواع مشارکت اجتماعی از یکدیگر متمایز خواهند شد. هر یک از این ۱۶ عنصر دارای الزاماتی در سوگیری های ارزشی هستند. همانطور که پیش از این گفته شد، ۵ نوع سوگیری ارزشی در کنش های اجتماعی قابل تصور است: عاطفی - خشی؛ خودگرایی - جمع گرایی؛ عام گرایی - خاص گرایی؛ عملکرد - کیفیت؛ ویژه گرا - انتشاری. در (نمودار ۱) انواع و اجزای مشارکت اجتماعی به همراه سوگیری های ارزشی ملازم با هر یک ارائه شده اند:

نمودار ۱. انواع مشارکت اجتماعی و اجزای آنها

G	A	G	A
مشارکت به عنوان رفتار	علاقه به مشارکت	مشارکت به عنوان کار	یادگیری مشارکت
	عاطفی		ابزاری
مشارکت برای عاطفه مشترک	ترجیح عاطفی مشارکت	مشارکت برای هماهنگی	محاسبه برای مشارکت کردن
I	L	I	L
مشارکت اجتماعی			
مشارکت به عنوان تقلید	اعتقاد به مشارکت	مشارکت به عنوان وظیفه	درونی کردن مشارکت
	سستی		ارزشی
مشارکت برای وفاداری	مراجعه به سنت برای مشارکت کردن	مشارکت برای هم رای	محاسبه ارزشی برای مشارکت
I	L	I	L
I			L

- 1- Value principle
- 2- Coordinate criterion
- 3- Goal attainment
- 4- Adaptation

ملاحظه می‌شود که کنش مشارکتی این چنین چه تنوعی یافته است. این تنوع نشان می‌دهد که وجه بیرونی کنش به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند تمام عناصر کنش را نمایش دهد. آن چنان که وجه بیرونی برخی کنش‌ها ممکن است مشارکتی به نظر آیند، اما در واقع مشارکتی نباشند؛ چون کنشگر نیت و معنای مشارکت از آن نداشته است. هر یک از انواع مشارکت که در (نمودار ۱) ارائه شده است، ویژگی‌هایی دارند. برخی از این انواع مشارکت ممکن است در برخی جوامع و زمینه‌های اجتماعی شیوع بیشتری و در برخی شیوع کمتری داشت باشند و برخی کمتر. (جدول ۱) نشان می‌دهد که در هر کدام از ویژگی‌های انواع چهارگانه مشارکت، مولفان کدام نوع سوگیری‌های ارزشی را یافته‌اند. هدف آن بوده است که هر وجهی از کنش مشارکتی با تقاطع دوسوگیری مشارکتی متناظر شود.

جدول ۱: انواع و اجزای مشارکت اجتماعی و سوگیری‌های ارزشی

اجزاء مشارکت			G	A
	L	I	شیوه تحقق هدف	ابزار تطبیق
انواع کنش مشارکتی	اصل ارزشی	معیار هماهنگی		
L	عاطفی - جمع‌گرا	کیفیت - ویژه‌گرا	انتشاری عام‌گرا	عاطفی عملکرد
مشارکت ارزشی	محاسبه ارزشی برای مشارکت کردن	مشارکت برای هم‌رایی	مشارکت به عنوان وظیفه	اعتقاد به مشارکت
I	خشی - جمع‌گرا	کیفیت - انتشاری	انتشاری خاص‌گرا	عاطفی کیفیت
مشارکت سستی	مراجعه به سنت برای مشارکت کردن	مشارکت برای وفاداری	مشارکت به عنوان تقلید	درونی کردن مشارکت
G	عاطفی - فردگرا	عملکرد - انتشاری	ویژه‌گرا خاص‌گرا	خشی کیفیت
مشارکت عاطفی	ترجیح عاطفی مشارکت	مشارکت برای	مشارکت به عنوان	علاقه به

		عاطفه مشترک	رفتار	مشارکت
A مشارکت ابزاری		عملکرد-	ویژه‌گرا	خشی
		ویژه‌گرا	عام‌گرا	عملکرد
	محاسبه برای مشارکت	مشارکت برای	مشارکت به عنوان	یادگیری
	کردن	هماهنگی	کار	مشارکت

در (جدول ۱)، در هر خانه، جدول یک عنصر بسیط از نوعی مشارکت اجتماعی ملاحظه می‌شود. همچنین در هر خانه دو نوع سوگیری ارزشی به عنوان مختصه‌های آن عنصر بیان شده‌اند. ترکیب‌های گوناگون سوگیری‌های ارزشی با یکدیگر، حالات بسیار متنوعی را به وجود می‌آورند. آن چه تا کنون ارائه کرده‌ایم، یک تجزیه مفهومی نظری از انواع سوگیری‌های مشارکتی (انواع کنش اجتماعی) است.

۳- روش تحقیق

۳-۱- ابزار

برای سنجش سوگیری‌های مشارکتی کنشگران، استراتژی این بوده است که آنان در دو موقعیت عینی قرار داده شوند (Park, 1967)، سپس با استفاده از از گویه‌هایی که هر یک در وجهی از انواع سوگیری‌های مشارکتی نمایندگی می‌کنند، سوگیری کنش سنجیده شود. به همین منظور دو موقعیت نوعی انتخاب شده است. در انتخاب این دو موقعیت سعی شده است که نخست، امکان وقوع آن‌ها چندان دور از ذهن نباشد؛ و دوم، داوطلبانه بودن و معطوف به منفعت جمع‌بودن در آن‌ها برجسته باشد. موقعیت اول مربوط است به تذکر دادن به کسی که در حال نوشتن بر صندلی‌های اتوبوس شهری است و موقعیت دوم مربوط به تفکیک زباله در منزل به خواسته شهرداری است.^(۱)

در هر کدام از این موقعیت‌ها، برای هر سوگیری مشارکتی، دو گویه طرح شده است. هر کدام از این گویه‌ها یکی از دو شق سوگیری را هدف قرار می‌دهد. پاسخ‌های این گویه‌ها تنها دو گزینه «موافقم» و «مخالقم» را دارا هستند. در جدول زیر گویه‌های مربوط به سوگیری‌های مشارکتی گوناگون در دو موقعیت ارائه شده است.

جدول ۲. سوگیری‌های مشارکتی و شماره‌ی گویه‌های مربوط به هر یک

سوگیری مشارکتی	گویه‌ها در موقعیت اول (تذکر به کسی که به اتویوس‌های عمومی آسیب می‌زند)	گویه‌ها در موقعیت دوم (تفکیک زیاله)
۱ عام‌گرا- خاص‌گرا	چنین کاری را از هرکسی ببینم تذکر می‌دهم. * اگر کسی که این کار را انجام دهد، غریبه باشد، تذکر نمی‌دهم.	برای من فرقی ندارد کدام سازمان خدماتی (مثل شهرداری، برق، آب و مخابرات و ...) از من خواسته است، فعالیتت را انجام بدهم. * این که شهرداری، سازمان‌های دیگر از من بخواهد تفکیک زیاله را انجام بدهم، در انجام دادن یا ندادن خواهش‌های که از من دارد، مؤثر است.
۲ ویژه‌گرا- انتشاری	* وقتی می‌بینم دوستم چنین کاری می‌کند، نظرم درباره‌ی او عوض نمی‌شود. وقتی می‌بینم دوستم چنین کاری می‌کند، می‌فهمم که او در بقیه‌ی کارهایش هم به حقوق دیگران بی‌توجه است	* اگر شهرداری برای من به عنوان یک شهروند ارزش قائل نشود، من هم خواهش‌های آن از جمله تفکیک زیاله را انجام نمی‌دهم اینکه شهرداری در دیگر زمینه‌ها چگونه با شهروندان برخورد می‌کند، تأثیری روی تفکیک زیاله من ندارد.
۳ عملکرد- کیفیت	* خود تذکر دادن مهم است، نتیجه‌اش اهمیتی ندارد اگر بدانم تذکر من تأثیری ندارد، تذکر نمی‌دهم.	* اگر در محله‌ی ما هیچ‌کس تفکیک زیاله را انجام ندهد، من هم انجام نمی‌دهم. چون تفکیک زیاله کار درستی است، انجام می‌دهم و به حرف دیگران کاری ندارم.
۴ فردگرا- جمع‌گرا	* چون کار او زیان خاصی برای من ندارد، ترجیح می‌دهم حرفی نزنم. چون صندلی‌های اتویوس متعلق به همه است، به دوستم تذکر می‌دهم.	اگر شهرداری چیزی در قبال تفکیک زیاله ندهد، من این کار را انجام نمی‌دهم. * چیزی که شهرداری در قبال زیاله‌ی تفکیک‌شده می‌دهد، در تفکیک زیاله برای من مهم است.
۵ عاطفی- خشی	اگر دوستم چنین کاری کند از دست او دلخور می‌شوم. * در این مواقع احساسی برخورد نمی‌کنم	* اگر نمکی ببینم از سر دلسوزی، زیاله‌های تفکیک شده را به او می‌دهم. حتی اگر دلم برای نمکی بسوزد، زیاله‌هایم را به ماشین‌های شهرداری می‌دهم.

* گویه‌هایی که با این علامت مشخص شده‌اند، آن‌هایی هستند که با توجه به واریانس بیشتر آن‌ها از میان دیگران انتخاب شده‌اند.

بعد از جمع‌آوری داده‌ها، از میان دو سؤالی که برای هر سوگیری در هر موقعیت وجود دارد، گویه‌ای که دارای واریانس بیشتری است، انتخاب شد. دلیل این انتخاب آن بود که گویه‌ای که دارای واریانس بیشتری است، توانایی بیشتری در تمایز نهادن میان پاسخگویان داشته است. گویه‌های انتخاب شده در جدول بالا بر اساس این معیار، ستاره‌دار شده‌اند.

۳-۲- جامعه آماری

جامعه هدف، مردان و زنانی بوده‌اند که بطور تقریباً کامل وارد عرصه‌ی حیات شهروندی شده‌اند. دلیل این امر آن است که نوجوانان، جوانان و کسانی که هنوز بطور کامل درگیر حیات شهروندی نشده‌اند، در بسیاری موارد چندان بطور مستقل تصمیم‌گیری نمی‌کنند و بسیار تحت تأثیر خانواده خود هستند و یا با خانواده خود هم‌منظر هستند. به همین دلیل جامعه آماری این پژوهش، مردان و زنان بالای ۲۴ سال به علاوه زنان ۲۰ تا ۲۴ سال به شرط تأهل تعریف شد و حجم نمونه برابر ۷۵۰ نفر تعیین شد.

برای نمونه‌گیری از نقشه‌ای که توسط گروه علوم اجتماعی پژوهشگده‌ی اقبال در جهاد دانشگاهی مشهد تهیه شده است، استفاده شد. در این نقشه تمام بلوک‌های مسکونی شهر مشهد در چهار دسته بالا، متوسط، مدرن، متوسط سستی و پایین قرار گرفته‌اند. در هر بلوک ۱۰ پرسشنامه تکمیل شد. برای رسیدن به پاسخگویان، ۷۵ بلوک مسکونی با توجه به نسبت هر کدام از طبقات از کل بلوک‌ها به تصادف انتخاب شد. در نتیجه ۱۰ بلوک از طبقه بالا، ۲۶ بلوک از طبقه متوسط مدرن، ۱۸ بلوک از متوسط سستی و ۲۱ بلوک از طبقه پایین به شیوه تصادفی ساده بدست آمد. در هر بلوک با ده نفر مصاحبه شد.

برای انتخاب پاسخگو در بلوک، از پرسشگران خواسته شد که هنگام ورود به بلوک ابتدا تمام خانه‌های بلوک را شمارش کنند، سپس تعداد کل خانه‌ها بر تعداد پاسخگویان مورد نیاز تقسیم کنند. عدد بدست آمده تعداد خانه‌هایی است که باید بین پاسخگویان فاصله باشد. همچنین چنانچه پاسخگویی با مشخصات مورد نظر در خانه‌ی انتخاب شده وجود نداشت، به خانه بعدی مراجعه کنند.

۴- یافته‌ها

همانطور که پیش از این بیان شد، بمنظور سنجش سوگیری‌های مشارکتی، دو موقعیت مشارکتی انتخاب شد. انتخاب این دو موقعیت بر اساس مشورت با کارشناسان و نیز انجام پیش‌آزمون بوده است. ویژگی این دو موقعیت آن بود که عام بوده و تا حد امکان بیشتر کنشگران درک روشنی از آنها داشته باشند.

۴-۱- موقعیت «تذکر دادن به دیگران»

به پاسخگو گفته شد که «فرض کنید همراه دوستی سوار اتوبوس هستید. او شروع به نوشتن روی صندلی اتوبوس می‌کند. حال نظر خود را درباره سؤال‌های زیر بفرمایید». همچنین به پاسخگویان گفته شد که

«اگر تاکنون چنین موقعیتی را تجربه نکرده‌اید، ایرادی ندارد، کافی است موقعیت توصیف شده را تصور کنید و پاسخ دهید». از میان پاسخگویان ۳۰/۲ درصد (۲۲۴ نفر) این موقعیت را تجربه کرده بودند و ۶۵/۹ درصد (۴۸۹ نفر) این موقعیت را تجربه نکرده بودند. بقیه هم به این سؤال پاسخ نداده بودند (۳/۹ درصد معادل ۲۹ نفر). همانطور که قبلاً توضیح داده شد، در هر موقعیت مشارکتی، پنج نوع سوگیری ارزشی مورد سؤال قرار گرفته است. برای هر کدام از این پنج نوع سوگیری، دو سؤال طرح شده است که هر کدام از آنها، یکی از دو وجه سوگیری را هدف قرار می‌دهد. در جدول ۳ فراوانی‌های مربوط به این ده سؤال ارائه شده است.

جدول ۳: فراوانی‌های مربوط به ده سؤال موقعیت تذکر دادن به دیگران

بی‌جواب	معتبر	مخالقم	موافقم	
۰	۷۴۲	۶۶۸	۷۴	تعداد درصد
		٪۹۰/۰	٪۱۰/۰	چون کار او زیان خاصی برای من ندارد، ترجیح می‌دهم حرفی نزنم.
۱	۷۴۱	۵۶۲	۱۷۹	تعداد درصد
		٪۷۵/۸	٪۲۴/۲	وقتی می‌بینم دوستم چنین کاری می‌کند، نظرم دربارہ او عوض نمی‌شود.
۳	۷۳۹	۳۷۰	۳۶۹	تعداد درصد
		٪۵۰/۱	٪۴۹/۹	خود تذکر دادن مهم است، نتیجه اش اهمیتی ندارد.
۲	۷۴۰	۹۴	۶۴۶	تعداد درصد
		٪۱۲/۷	٪۸۷/۳	اگر دوستم چنین کاری کند، از دست او دلخور می‌شوم.
۲	۷۴۰	۱۳۶	۶۰۴	تعداد درصد
		٪۱۸/۴	٪۸۱/۶	چنین کاری را از هرکسی ببینم، تذکر می‌دهم.
۲	۷۴۰	۳۹	۷۰۱	تعداد درصد
		٪۵/۳	٪۹۴/۷	چون صندلی‌های اتوبوس متعلق به همه است به دوستم تذکر می‌دهم.
۲	۷۴۰	۹۲	۶۴۸	تعداد درصد
		٪۱۲/۴	٪۸۷/۶	وقتی می‌بینم دوستم چنین کاری می‌کند می‌فهمم که او در بقیه‌ی کارهایش هم به حقوق دیگران بی‌توجه است.
۲	۷۴۰	۴۶۴	۲۷۶	تعداد درصد
		٪۶۲/۷	٪۳۷/۳	اگر بدانم تذکر من تأثیری ندارد تذکر نمی‌دهم.
۱۱	۷۳۱	۲۴۳	۴۸۸	تعداد درصد
		٪۳۳/۲	٪۶۶/۸	در این مواقع احساسی برخوردار نمی‌کنم.
۱	۷۴۱	۵۴۲	۱۹۹	تعداد درصد
		٪۷۳/۱	٪۲۶/۹	اگر کسی که این کار را می‌کند، غریبه باشد تذکر نمی‌دهم.

مشاهده می‌شود که در برخی از سؤالات هم‌سانی زیادی بین پاسخگویان وجود دارد. از آنجایی که چنین سؤالاتی نمی‌توانند به خوبی بین پاسخگویان تمایز ایجاد کنند، برای تحلیل بیشتر باید گویه‌هایی که دارای واریانس یا پراکندگی بیشتری هستند مطرح کرد.

۴-۲- موقعیت «تفکیک زیاله»

در این موقعیت به پاسخگویان گفته شد که «فرض کنید شهرداری از شما خواسته است که در منزل تفکیک زیاله انجام دهید، حال به سؤال‌های زیر پاسخ دهید». در این موقعیت هم مانند موقعیت اول، نخست پرسیده شد که آیا تا کنون چنین موقعیتی را تجربه کرده‌اند؟ یعنی آیا تا کنون به خواسته شهرداری در منزل تفکیک زیاله را انجام داده‌اند؟ فراوانی‌های مربوط به این سؤال در جدول زیر مشاهده می‌شود. ۷۴ درصد (۵۴۹ نفر) پاسخگویان چنین موقعیتی را تجربه کرده‌اند و ۲۲/۲ درصد (۱۶۵ نفر) آنان هم گفته‌اند که تاکنون تفکیک زیاله انجام نداده‌اند. در این موقعیت هم برای سنجش پنج نوع سوگیری ارزشی از ده سؤال استفاده شده است. یعنی برای هر نوع سوگیری دو سؤال وجود دارد که فراوانی‌های آنها در (جدول ۴) ارائه شده است.

جدول ۴: فراوانی‌های مربوط به ده سؤال موقعیت تفکیک زیاله

بی‌جواب	تعداد معتبر	مخالفم	موافقم	تعداد	درصد	گویه‌ها
۲۷	۷۱۵	۱۰۷	۶۰۸	تعداد	۸۵/۰٪	برای من فرقی ندارد کدام سازمان خدماتی (مثل شهرداری، برق، آب و مخابرات و ...) از من خواسته، فعالیت را انجام دهم.
۲	۷۴۰	۵۰۲	۲۳۸	تعداد	۳۲/۲٪	اگر نمکی ببینم از سر دلسوزی زیاله‌های تفکیک شده را به او می‌دهم.
۴	۷۳۸	۶۵۹	۷۹	تعداد	۱۰/۷٪	اگر در محله ما هیچ کس تفکیک زیاله را انجام ندهد، من هم انجام نمی‌دهم.
۳	۷۳۹	۶۳۰	۱۰۹	تعداد	۱۴/۷٪	اگر شهرداری چیزی در قبال تفکیک زیاله ندهد، من این کار را انجام نمی‌دهم.
۵	۷۳۷	۴۵۳	۲۸۴	تعداد	۳۸/۵٪	اگر شهرداری برای من به عنوان یک شهروند ارزش قائل نشود، من هم خواسته‌های آن از جمله تفکیک زیاله را انجام نمی‌دهم.
۲۱	۷۲۱	۴۴۳	۲۷۸	تعداد	۳۸/۶٪	این که شهرداری از من بخواهد تفکیک زیاله را انجام دهم یا سازمان‌های دیگر در انجام دادن یا ندادن خواسته‌ای که از من دارد مؤثر است.
۸	۷۳۴	۲۰۶	۵۲۸	تعداد	۷۱/۹٪	حتی اگر دلم برای نمکی بسوزد، زیاله‌هایم را به ماشین‌های شهرداری می‌دهم.
۸	۷۳۴	۳۵	۶۹۹	تعداد	۹۵/۲٪	چون تفکیک زیاله‌ای کار درستی است، انجام می‌دهم و به حرف دیگران کاری ندارم.
۵	۷۳۷	۴۸۲	۲۵۵	تعداد	۳۴/۶٪	چیزی که شهرداری در قبال زیاله‌ی تفکیک شده می‌دهد در تفکیک زیاله برای من مهم است.
۶	۷۳۶	۱۶۹	۵۶۷	تعداد	۷۷/۰٪	اینکه شهرداری در دیگر زمینه‌ها چگونه با شهروندان برخورد می‌کند تأثیری روی تفکیک زیاله‌ی من ندارد.

در سنجش سوگیری‌های ارزشی همواره این خطر وجود دارد که پاسخگو به جای پاسخ واقعی، پاسخی اخلاقی به سؤال بدهد. وجود دو سؤال برای هر نوع سوگیری این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که گویه‌ای را که دارای پراکندگی بیشتر در پاسخ‌هاست، انتخاب کند. در موقعیت اول و دوم، هر کدام ۵ گویه را که دارای بیشترین واریانس در سنجش سوگیری‌های مورد نظر بوده‌اند انتخاب شده‌اند.

۴-۳- سوگیری مشارکتی

از میان دو موقعیت مورد استفاده برای سنجش سوگیری مشارکتی (تذکر دادن به دیگری و تفکیک زباله)، موقعیت تفکیک زباله را برای تحلیل بیشتر انتخاب کردیم. دلیل این انتخاب آن بود که موقعیت اول مربوط به دعوت دیگران به انجام کنش مشارکتی و موقعیت دوم انجام کنش از سوی خود کنشگر بوده است. همچنین کنشگران بیشتری این موقعیت را تجربه کرده بودند. بنابراین به نظر می‌رسد، موقعیت دوم به انتظاری است که از کنشگران می‌رود، نزدیکتر باشد همچنین در موقعیت دوم تعداد بسیار بیشتری از پاسخگویان تجربه‌ی عینی موقعیت مورد نظر را داشته‌اند و جواب‌های آنان به همین خاطر می‌تواند بیشتر به واقعیت نزدیک باشد. باید اضافه کرد که جواب‌های کنشگران در دو موقعیت، کاملاً بر هم منطبق نیست زیرا کنشگران با توجه به هر موقعیت دست به انتخاب در سوگیری‌های ارزشی-انگیزشی می‌زنند. به منظور تحلیل، ابتدا با تقاطع سوگیری‌های گوناگون، اجزای انواع سوگیری مشارکتی استخراج شد. برای این کار برچسب‌های متغیرهای سوگیری ارزشی گزینش شده به تناسب تغییر داده شد. به عنوان مثال، موافقم- مخالفم با توجه به معنای گویه، تبدیل به عام‌گرا- خاص‌گرا شده است. سپس برای آنکه در تقاطع متغیرها، تعداد پاسخگویان‌ها به شدت کاهش پیدا نکند، داده‌های بی‌جواب به روش میانه نقاط کناری، جایگزین شدند (البته لازم به ذکر است که تقریباً در تمام متغیرهای گزینش شده، تعداد داده‌های بی‌جواب بسیار اندک بوده است).

طبق بحث نظری که ارائه شد، از تقاطع سوگیری‌های ارزشی-انگیزشی، عناصر انواع کنش مشارکتی حاصل می‌شوند. بنابراین در این جا ما هر کدام از عناصر انواع کنش مشارکتی را با دو سوگیری ارزشی-انگیزشی می‌شناسیم، که به شرح زیر است:

- بعد «تطبیق‌پذیری کنشگر با محیط» در تمام انواع کنش:

✓ **Aa** - یادگیری مشارکت (خشتی - عملکرد) (فراوانی = ۴۷۳ نفر، ۶۳/۷ درصد)

✓ **Ag** - علاقه به مشارکت (خشتی - کیفیت) (فراوانی = ۱۹۰ نفر، ۲۵/۶ درصد)

✓ **Ai** - اعتقاد به مشارکت (عاطفی - عملکرد) (فراوانی = ۴۸ نفر، ۶/۵ درصد)

✓ **Al** - درونی کردن مشارکت (عاطفی - کیفیت) (فراوانی = ۳۱ نفر، ۴/۲ درصد)

در میان پاسخگویان، فراوانترین شیوه برای «تطبیق با محیط»، یادگیری مشارکت بوده است؛ یعنی ۶۳/۷ درصد پاسخگویان آن چه از مشارکت می‌دانند را آموخته‌اند. بعد از این نوع، بیشترین فراوانی مربوط به باور به مشارکت سپس درونی کردن مشارکت و در نهایت علاقه به مشارکت قرار دارد.

- انواع «شیوه‌ی انجام‌دادن مشارکت» در انواع مشارکت به شرح زیر است:

✓ **Ga** - مشارکت به عنوان کار (ویژه‌گرا - عام‌گرا) (فراوانی = ۱۳۵ نفر، ۱۸/۲ درصد)

✓ **Gg** - مشارکت به عنوان رفتار (ویژه‌گرا - خاص‌گرا) (فراوانی = ۱۴۹ نفر، ۲۰/۱ درصد)

✓ **Gi** - مشارکت به عنوان وظیفه (انتشاری - عام‌گرا) (فراوانی = ۱۲۹ نفر، ۱۷/۴ درصد)

✓ **Gl** - مشارکت به عنوان تقلید (انتشاری - خاص‌گرا) (فراوانی = ۳۲۹ نفر، ۴۴/۳ درصد)

در میان انواع «شیوه‌های انجام‌دادن مشارکت»، بیشترین فراوانی مربوط به انجام دادن مشارکت به عنوان وظیفه است و بعد از آن مشارکت به عنوان رفتار، مشارکت به عنوان کار و در آخر مشارکت به عنوان تقلید قرار دارند. روشن است که نوع «مشارکت به عنوان انجام دادن وظیفه» تفاوت بسیاری در فراوانی با سه نوع دیگر دارد.

- انواع «همسویی با دیگران» در تمام انواع مشارکت به شرح زیر است:

✓ **Ia** - مشارکت برای هماهنگی (عملکرد - ویژه‌گرا) (فراوانی = ۲۲۸ نفر، ۳۰/۷ درصد)

✓ **Ig** - مشارکت برای عاطفه مشترک (عملکرد - انتشاری) (فراوانی = ۴۳۵ نفر، ۵۸/۶ درصد)

✓ **Ii** - مشارکت برای هم‌رایی (کیفیت - ویژه‌گرا) (فراوانی = ۲۳ نفر، ۳/۱ درصد)

✓ **Ii** - مشارکت برای وفاداری (کیفیت - انتشاری) (فراوانی = ۵۶ نفر، ۷/۵ درصد)

بیشترین نوع «همسویی با دیگران» در میان چهار نوع آن مربوط به «مشارکت برای عاطفه مشترک» است. بعد از این نوع همسویی، «مشارکت برای هماهنگی»، «مشارکت برای هم‌رایی» و در آخر مشارکت برای وفاداری وجود دارد.

- انواع «مبنای تصمیم‌گیری برای مشارکت» در تمام انواع مشارکت چنین است:

✓ La- محاسبه برای مشارکت کردن (خشتی - فردگرا) (فراوانی = ۱۵۲ نفر، ۲۰/۵ درصد)

✓ Lg- ترجیح عاطفی مشارکت (عاطفی - فردگرا) (فراوانی = ۱۰۳ نفر، ۱۳/۹ درصد)

✓ Li- مراجعه به سنت برای مشارکت کردن (خشتی - جمع‌گرا) (فراوانی = ۳۵۲ نفر، ۴۷/۴ درصد)

✓ Ll- محاسبه ارزشی برای مشارکت کردن (عاطفی - جمع‌گرا) (فراوانی = ۱۳۵ نفر، ۱۸/۲ درصد)

فراوان‌ترین نوع «مبنای تصمیم‌گیری برای مشارکت» مربوط به مراجعه به سنت برای مشارکت کردن است. بعد از این نوع، محاسبه برای مشارکت کردن، محاسبه ارزشی و ترجیح عاطفی مشارکت قرار دارند.

حال می‌توان برای هر کدام از ابعاد مشارکت، نوع مسلط را در میان پاسخگویان تشخیص داد. در بعد تطبیق کنشگر با محیط، الگوی مسلط، یادگیری مشارکت (Aa) است (۶۳/۷ درصد). در بعد شیوه انجام‌دادن مشارکت، الگوی مسلط، انجام‌دادن مشارکت به عنوان وظیفه (G1) است (۴۴/۳ درصد). در بعد نوع همسویی با دیگران، الگوی مسلط، مشارکت برای عاطفه مشترک (Ig) (۵۸/۶ درصد) است و در بعد مبنای تصمیم‌گیری برای مشارکت، الگوی مسلط، مراجعه به سنت (Li) (۴۷/۴ درصد) است. هدف بعدی دسته‌بندی کردن دانشجویان بر حسب نوع، سوگیری مشارکتی است؛ یعنی هدف، تعیین نوع سوگیری مشارکتی غالب در بین کنشگران و همچنین دسته‌بندی کنشگران از حیث نوع کنش مشارکتی است. به این منظور از تحلیل خوشه‌ای (دو مرحله‌ای) استفاده شده است.

جدول ۵: فراوانی‌های مربوط به چهار خوشه بدست آمده از سوگیری‌های مشارکتی

تعداد	درصد از جمع خوشه‌ها	درصد از کل
۳۲۷	۴۴/۱٪	۴۴/۱٪
۷۹	۱۰/۶٪	۱۰/۶٪
۱۹۰	۲۵/۶٪	۲۵/۶٪
۱۴۶	۱۹/۷٪	۱۹/۷٪
۷۴۲		۱۰۰/۰٪
		کل

می‌توان گفت یک خوشه بزرگ، دو خوشه متوسط و یک خوشه کوچک از هم جدا شده‌اند. خوشه بزرگ دربردارنده ۴۴/۱ درصد پاسخگویان است. دو خوشه متوسط با هم ۴۵/۳ درصد پاسخگویان را در خود جای داده‌اند و در خوشه کوچک هم ۱۰/۶ درصد پاسخگویان حضور دارند.

گام بعدی، بررسی توزیع هر کدام از انواع ابعاد مشارکت در این چهار خوشه است.

جدول ۶: فراوانی های انواع «تطبیق کنشگر با محیط» در چهار خوشه

	یادگیری مشارکت		باور به مشارکت		درونی کردن مشارکت		علاقه به مشارکت	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خوشه ۱	۳۲۷	٪۶۹/۱	۰	٪۰/۰	۰	٪۰/۰	۰	٪۰/۰
۲	۰	٪۰/۰	۰	٪۰/۰	۴۸	٪۱۰۰/۰	۳۱	٪۱۰۰/۰
۳	۰	٪۰/۰	۱۹۰	٪۱۰۰/۰	۰	٪۰/۰	۰	٪۰/۰
۴	۱۴۶	٪۳۰/۹	۰	٪۰/۰	۰	٪۰/۰	۰	٪۰/۰
ترکیب خوشه ها	۴۷۳	٪۱۰۰/۰	۱۹۰	٪۱۰۰/۰	۴۸	٪۱۰۰/۰	۳۱	٪۱۰۰/۰

«یادگیری مشارکت»، بین خوشه اول و خوشه چهارم تقسیم شده است. باور به مشارکت مختص خوشه سوم است. درونی کردن مشارکت، مختص خوشه دوم است. علاقه به مشارکت هم مختص خوشه دوم است.

جدول ۷: فراوانی های مربوط به انواع شیوه انجام دادن مشارکت در چهار خوشه

	مشارکت به عنوان کار		مشارکت به عنوان رفتار		مشارکت به عنوان وظیفه		مشارکت به عنوان تقلید	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خوشه ۱	۰	٪۰/۰	۰	٪۰/۰	۹۴	٪۷۲/۹	۲۳۳	٪۷۰/۸
۲	۳۳	٪۲۴/۴	۲۳	٪۱۵/۴	۸	٪۶/۲	۱۵	٪۴/۶
۳	۳۶	٪۲۶/۷	۴۶	٪۳۰/۹	۲۷	٪۲۰/۹	۸۱	٪۲۴/۶
۴	۶۶	٪۴۸/۹	۸۰	٪۵۳/۷	۰	٪۰/۰	۰	٪۰/۰
ترکیب خوشه ها	۱۳۵	٪۱۰۰/۰	۱۴۹	٪۱۰۰/۰	۱۲۹	٪۱۰۰/۰	۳۲۹	٪۱۰۰/۰

مشارکت به عنوان کار، بین خوشه های دوم تا چهارم تقسیم شده است و تنها خوشه اول از آن بی بهره است. مشارکت به عنوان رفتار هم بین خوشه های دوم تا چهارم تقسیم شده است و باز هم تنها خوشه اول از آن بی بهره است. مشارکت به عنوان وظیفه بین خوشه های اول تا سوم تقسیم شده است. با این ویژگی که بیشترین فراوانی آن در خوشه اول قرار گرفته است. مشارکت به عنوان تقلید هم بین خوشه های اول تا سوم تقسیم شده است و باز هم بیشترین فراوانی آن در خوشه اول قرار گرفته است.

جدول ۸: فراوانی‌های مربوط به انواع همسویی با دیگران در چهار خوشه

	مشارکت برای هماهنگی		مشارکت برای عاطفه مشترک		مشارکت برای هم‌رایی		مشارکت برای وفاداری	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
خوشه ۱	٪۰/۰	۰	٪۷۵/۲	۳۲۷	٪۰/۰	۰	٪۰/۰	۰
۲	٪۰/۰	۰	٪۰/۰	۰	٪۱۰۰/۰	۲۳	٪۱۰۰/۰	۵۶
۳	٪۳۶/۰	۸۲	٪۲۴/۸	۱۰۸	٪۰/۰	۰	٪۰/۰	۰
۴	٪۶۴/۰	۱۴۶	٪۰/۰	۰	٪۰/۰	۰	٪۰/۰	۰
ترکیب خوشه‌ها	٪۱۰۰/۰	۲۲۸	٪۱۰۰/۰	۴۳۵	٪۱۰۰/۰	۲۳	٪۱۰۰/۰	۵۶

ملاحظه می‌شود که مشارکت برای هماهنگی در خوشه‌های سوم و چهارم قرار دارد. مشارکت برای عاطفه مشترک در خوشه‌های اول و سوم قرار دارد. مشارکت برای هم‌رایی مختص خوشه دوم است و مشارکت برای وفاداری هم مختص خوشه‌ی دوم است.

جدول ۹: فراوانی‌های مربوط به انواع مبنای تصمیم‌گیری برای مشارکت در چهار خوشه

	محاسبه برای مشارکت‌کردن		ترجیح عاطفی مشارکت		مراجعه به سنت برای مشارکت‌کردن		محاسبه ارزشی برای مشارکت‌کردن	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
خوشه ۱	٪۵۵/۳	۸۴	٪۰/۰	۰	٪۶۹/۰	۲۴۳	٪۰/۰	۰
۲	٪۱۰/۵	۱۶	٪۲۴/۳	۲۵	٪۴/۳	۱۵	٪۱۷/۰	۲۳
۳	٪۰/۰	۰	٪۷۵/۷	۷۸	٪۰/۰	۰	٪۸۳/۰	۱۱۲
۴	٪۳۴/۲	۵۲	٪۰/۰	۰	٪۲۶/۷	۹۴	٪۰/۰	۰
ترکیب خوشه‌ها	٪۱۰۰/۰	۱۵۲	٪۱۰۰/۰	۱۰۳	٪۱۰۰/۰	۳۵۲	٪۱۰۰/۰	۱۳۵

محاسبه برای مشارکت‌کردن در خوشه‌های اول و دوم و چهارم وجود دارد. ترجیح عاطفی برای مشارکت‌کردن در خوشه‌های دوم و سوم وجود دارد. مراجعه به سنت برای مشارکت‌کردن نیز در همه خوشه‌ها وجود دارد، به جز خوشه سوم که البته فراوانی آن در خوشه دوم بسیار اندک است. محاسبه ارزشی برای مشارکت‌کردن نیز در خوشه‌های دوم و سوم وجود دارد، که البته بیشترین فراوانی آن در خوشه سوم قرار گرفته است.

با توجه به آنچه در چهار جدول ارائه شد، می توان گفت در ابعاد تطبیق کنشگر با محیط و نوع همسویی با دیگران تمایز میان خوشه ها از همه واضح تر است. در ابعاد شیوه انجام دادن مشارکت و مبنای تصمیم گیری برای مشارکت، تمایز میان خوشه ها چندان واضح نیست. برای آنکه محتویات جداول مذکور وضوح بیشتری داشته باشد، در (جدول ۱۰) آنها را به شکل دیگری نمایش می دهیم.

جدول ۱۰: ویژگی های خوشه ی ۱ (۳۲۷ نفر و ۴۴/۱ درصد پاسخگویان)

<p style="text-align: center;">G</p> <p style="text-align: center;">Gi- مشارکت به عنوان تقلید (۲۹ درصد) Gj- مشارکت به عنوان وظیفه (۷۱ درصد)</p>	<p style="text-align: center;">A</p> <p style="text-align: center;">Aa- یادگیری مشارکت (۱۰۰ درصد)</p>
<p style="text-align: center;">I</p> <p style="text-align: center;">Ig- مشارکت برای عاطفه مشترک (۱۰۰ درصد)</p>	<p style="text-align: center;">L</p> <p style="text-align: center;">Ll- محاسبه برای مشارکت کردن (۲۶ درصد) Li- مراجعه به سنت برای مشارکت کردن (۷۴ درصد)</p>

مشاهده می شود که در یک عنصر از چهار عنصر کنش در این خوشه، عناصر کنش عاطفی مسلط هستند. در یکی از آنها عنصر کنش ابزاری و یکی دیگر عنصر ارزشی. بنابراین می توانیم این خوشه را کنشگران مشارکتی عاطفی-ابزاری بنامیم که عناصری از کنش سنتی و ارزشی هم در آن وجود دارد.

جدول ۱۱: ویژگی های خوشه ۲ (۷۹ نفر و ۱۰/۶ درصد پاسخگویان)

<p style="text-align: center;">G</p> <p style="text-align: center;">Ga- مشارکت به عنوان کار (۴۲ درصد) Gi- مشارکت به عنوان تقلید (۲۹ درصد) Gg- مشارکت به عنوان رفتار (۱۰ درصد) Gj- مشارکت به عنوان انجام وظیفه (۱۹ درصد)</p>	<p style="text-align: center;">A</p> <p style="text-align: center;">Aa- درونی کردن مشارکت (۶۱ درصد) Ag- علاقه به مشارکت (۳۹ درصد)</p>
<p style="text-align: center;">I</p> <p style="text-align: center;">Ii- مشارکت برای وفاداری (۲۹ درصد) Ij- مشارکت برای هم‌رایی (۷۱ درصد)</p>	<p style="text-align: center;">L</p> <p style="text-align: center;">La- محاسبه برای مشارکت کردن (۲۰ درصد) Lg- ترجیح عاطفی در مشارکت (۳۲ درصد) Li- مراجعه برای مشارکت کردن (۱۹ درصد) Ll- محاسبه ارزشی برای مشارکت کردن (۲۹ درصد)</p>

در خوشه‌ی دوم، مشاهده می‌شود که اختلاط عناصر انواع کنش وجود دارد؛ اما با دقت بیشتر ملاحظه می‌شود که اجزای کنش‌های ابزاری و ارزشی فراوان‌تر هستند بنابراین با اغماض می‌توان این خوشه کنشگران را ابزاری- ارزشی نامید.

جدول ۱۲: ویژگی‌های خوشه‌ی ۳ (۱۹۰ نفر و ۲۵/۶ درصد پاسخگویان)

<p style="text-align: center;">G</p> <p>-Ga مشارکت به عنوان کار (۱۹ درصد)</p> <p>-Gg مشارکت به عنوان رفتار (۲۴ درصد)</p> <p>-Gi مشارکت به عنوان تقلید (۱۴ درصد)</p> <p>-Gl مشارکت به عنوان انجام‌دادن وظیفه (۴۲ درصد)</p>	<p style="text-align: center;">A</p> <p>-Ai باور به مشارکت (۱۰۰ درصد)</p>
<p style="text-align: center;">I</p> <p>-Ia مشارکت برای هماهنگی (۴۳ درصد)</p> <p>-Ig مشارکت برای عاطفه‌ی مشترک (۵۷ درصد)</p>	<p style="text-align: center;">L</p> <p>-Lg ترجیح عاطفی مشارکت (۴۱ درصد)</p> <p>-Li محاسبه‌ی ارزشی برای مشارکت کردن (۵۹ درصد)</p>

در سه عنصر از چهار عنصر کنش مشارکتی در خوشه‌ی سوم، عناصر کنش ارزشی فراوانی بالایی دارند و در یکی از خانه‌ها هم کنش عاطفی، فراوانی بالایی دارد. بنابراین با اغماض این خوشه را خوشه‌ی کنشگران ارزشی می‌نامیم.

جدول ۱۳: خوشه‌ی چهارم (۱۴۶ نفر و ۱۹/۷ پاسخگویان)

<p style="text-align: center;">G</p> <p>-Ga مشارکت به عنوان کار (۴۵ درصد)</p> <p>-Gg مشارکت به عنوان رفتار (۵۵ درصد)</p>	<p style="text-align: center;">A</p> <p>-Aa یادگیری مشارکت (۱۰۰ درصد)</p>
<p style="text-align: center;">I</p> <p>-Ia مشارکت برای هماهنگی (۱۰۰ درصد)</p>	<p style="text-align: center;">L</p> <p>-La محاسبه برای مشارکت کردن (۳۵ درصد)</p> <p>-Li -مراجعه به شدت برای مشارکت کردن (۶۵ درصد)</p>

در چهار عنصر کنش مشارکتی، عناصر مشارکت ایزاری فراوانی قابل توجهی دارند. بنابراین این خوشه مشارکت کنندگان ایزاری می نامیم. می توان چهار خوشه نام گذاری شده را چنین ارائه کرد:

- مشارکت عاطفی - ایزاری (فراوانی = ۳۲۷، ۴۴/۱ درصد)
- مشارکت ایزاری - ارزشی (فراوانی = ۷۹، ۱۰/۶ درصد)
- مشارکت ارزشی (فراوانی = ۱۹۰، ۲۵/۶ درصد)
- مشارکت ایزاری (فراوانی = ۱۴۶، ۱۹/۷ درصد)

فراوان ترین نوع سوگیری مشارکتی، مشارکت عاطفی - ایزاری نام گرفته است. بعد از آن مشارکت ارزشی قرار دارد. در رتبه سوم، مشارکت ایزاری و در خوشه چهارم مشارکت ایزاری - ارزشی است.

۵. بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی این مقاله توجه به سنجش بخشی از کنش بود که عموماً مورد غفلت قرار می گیرد و آن معنی و نیتی است که کشنگر در ذهن برای کنش خود در نظر می گیرد. در کنش های مشارکتی توجه به این امر اهمیتی دو چندان دارد چون در برخی مواقع، کنش هایی که مشارکتی نیستند و کشنگر آنها را نه داوطلبانه و نه با نیت خیر جمعی انجام داده است، تنها از ظاهر کنش مشارکت دانسته می آشوند. توجه به این نکته برای حکمرانان محلی و برنامه ریزان بخش عمومی چنانچه می خواهند در جهت توسعه و تقویت مشارکت های اجتماعی گام بردارند ضروری است.

در تحلیل نظری چهار نوع مشارکت اجتماعی از هم متمایز شدند. این انواع مشارکت اجتماعی از ویژگی های چهارگانه «اصل ارزشی»، «معیار هماهنگی»، «شیوهی تحقق هدف» و «ابزار تطبیق» از هم متمایز شدند. این چنین شانزده عنصر قابل مشاهده در کنش مشارکتی حاصل شد که با کمک سوگیری های مشارکتی مورد سنجش قرار گرفتند. این چهار نوع مشارکت اجتماعی هر کدام ویژگی هایی منحصر به فرد دارند و البته به تناسب هر یک در زمینه ای

اجتماعی رواج فراوان‌تری دارند. همچنین در جهان واقع این چهار نوع، هم‌پوشی‌های فراوانی دارند و در واقع نمی‌توان کنشی را یافت که به طور خالص ابزاری یا عاطفی باشد. این پژوهش نشان داد که در شهر مشهد می‌توان، شهروندان بر اساس نوع سوگیری که نسبت به مشارکت اجتماعی دارند، در چهار دسته قرار داد. هر کدام از این دسته‌ها دارای یک نوع ویژه مشارکت اجتماعی هستند. چهار نوع کنش مشارکتی در میان پاسخگویان تشخیص داده شده است که عبارت‌اند از: مشارکت عاطفی- ابزاری (۴۴/۱ درصد)، مشارکت ابزاری- ارزشی (۱۰/۶ درصد)، مشارکت ارزشی (۲۵/۶ درصد) و مشارکت ابزاری (۱۹/۷ درصد). بنابراین، مشارکت اجتماعی نزد اغلب شهروندان دارای ویژگی «ابزاری» است.

این اطلاع زمینه به برنامه‌ریزانی که قصد دارند در جهت بهبود وضعیت مشارکت تلاش کنند، کمک می‌کند دریابند مخاطبان آنها به مشارکت اجتماعی چگونه می‌اندیشند. شهروندانی که وجه اصلی مشارکت اجتماعی آنها ابزاری است، کسانی هستند که اندیشیده شده و محاسبه مشارکت می‌کنند. برای تشویق این کنشگران به مشارکت باید هزینه‌های مشارکت کاهش داده شوند و منافع آن افزایش یابد. شرایط باید طوری تغییر کند که آنان کنش خود ثمربخش بدانند و نسبت به هزینه‌های آن بهینه تشخیص دهند.

کنشگرانی که وجه اصلی مشارکت آنها ارزشی است را توجه دادن و شاهد آوردن از ارزش‌های آنان می‌توان تشویق به مشارکت نمود. تقویت هنجاری مشارکت، ارجاع دادن به ارزش‌های دینی و ایرانی می‌تواند موجب شود این کنشگران، مشارکت اجتماعی را انتخاب کنند. کنشگرانی که عاطفی هستند و بر مبنای تحریک عاطفی به مشارکت اجتماعی می‌پردازند را باید با نشانه‌هایی برای مشارکت اجتماعی اقناع کرد. مشارکت کنندگان سستی هم به برای مشارکت کردن چشم به آموزه‌های سستی دارند.

قدردانی

این مقاله مستخرج از پروژه پژوهشی «بررسی راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان در شهر مشهد» است که در سال‌های ۸۶ و ۸۷ با حمایت مالی مرکز پژوهش‌های

شورای اسلامی شهر مشهد انجام شده است. مولفان لازم می‌دانند از مدیریت و کارشناسان این مرکز و دیگر حوزه‌های شهرداری مشهد که یاریگر وی در انجام این تحقیق بودند قدردانی نمایند.

یادداشت‌ها

۱- برای انتخاب دو موقعیت مشارکتی و نیز انتخاب شیوه سنجش سوگیری‌های ارزشی، دوباره پیش‌آزمون انجام گرفت که در این بخش از توضیح تفصیلی آن‌ها صرف نظر شده است.

کتابنامه

- Briggs, Elten, Mark Peterson, and Gary Gregory. 2010. "Toward a Better Understanding of Volunteering for Nonprofit Organizations: Explaining Volunteers' Pro-Social Attitudes." *Journal of Macromarketing* 30:61-76.
- Collom, Ed. 2011. "Motivations and Differential Participation in a Community Currency System: The Dynamics Within a Local Social Movement Organization." *Sociological Forum* 26:144-168.
- Davis, D., D. Hulme, and P. Woodhouse. 1994. "DECENTRALIZATION BY DEFAULT - LOCAL GOVERNANCE AND THE VIEW FROM THE VILLAGE IN THE GAMBIA." *Public Administration and Development* 14:253-269.
- Haveri, Arto, Inga Nyholm, Asbjorn Roiseland, and Irene Vabo. 2009. "Governing Collaboration: Practices of Meta-Governance in Finnish and Norwegian Local Governments." *Local Government Studies* 35:539-556.
- Helmsing, A. H. J. 2002. "Decentralisation, enablement, and local governance in low-income countries." *Environment and Planning C-Government and Policy* 20:317-340.
- Kenyon, E. 1973. "Volunteers: new partners for social service." *Canadian hospital* 50:64-8.

- Lee, Jessica and Doune Macdonald. 2009. "Rural young people and physical activity: understanding participation through social theory." *Sociology of Health & Illness* 31:360-374.
- Levasseur, Melanie, Johanne Desrosiers, and Gale Whiteneck. 2010. "Accomplishment level and satisfaction with social participation of older adults: association with quality of life and best correlates." *Quality of Life Research* 19:665-675.
- Mattina, Cesare. 2008. "Governing "local democracy" at the urban level: Neighborhood committees in Marseille, Toulon and Nice." *Sociologie Du Travail* 50:184-199.
- McNamara, Tay K. and Ernest Gonzales. 2011. "Volunteer transitions among older adults: the role of human, social, and cultural capital in later life." *The journals of gerontology. Series B, Psychological sciences and social sciences* 66:490-501.
- Norgaard, A. S. and T. Pallesen. 2003. "Governing structures and structured governing: Local political control of public services in Denmark." *Journal of Public Administration Research and Theory* 13:543-561.
- Park, P. 1967. "Measurement of the pattern variables." *Sociometry* 30:187-98.
- Parsons, Talcott (1951) *Toward a General Theory of Action*. Free Press.
- Rocha, Cynthia, Bethanie Poe, and Veliska Thomas. 2010. "Political Activities of Social Workers: Addressing Perceived Barriers to Political Participation." *Social Work* 55:317-325.
- Ross, Laurie. 2011. "Sustaining Youth Participation in a Long-term Tobacco Control Initiative: Consideration of a Social Justice Perspective." *Youth & Society* 43:681-704.
- Shah, Anwar and Shah, Sana (2006). *The New Vision of Local Governance and the Evolving Roles of Local Governments*. In *Local Governance in Developing Countries*. Anwar Shah (ed). The World Bank.
- Smith, J. 2006. "Governing the locals: Local self-government and ethnic mobilization in Russia." *Slavonic and East European Review* 84:186-188.

- Stadelmann-Steffen, Isabelle. 2011. "Social Volunteering in Welfare States: Where Crowding Out Should Occur." *Political Studies* 59:135-155.
- Taddei, Renzo. 2011. "Watered-down democratization: modernization versus social participation in water management in Northeast Brazil." *Agriculture and Human Values* 28:109-121.
- Von Mises, Ludwig (1998) *Human Action: The scholar's Edition*. Alabama: Btretta Bien Greaves.
- Wunsch, J. S. 2001. "Decentralization, local governance and 'recentralization' in Africa." *Public Administration and Development* 21:277-288.
- Xu, Qingwen, Douglas D. Perkins, and Julian Chun-Chung Chow. 2010. "Sense of Community, Neighboring, and Social Capital as Predictors of Local Political Participation in China." *American Journal of Community Psychology* 45:259-271.